

حمید دهقان

# هزار ماسوله سرزمینی خورشید

## آشنایی با روستای اورامان تخت در غرب کشور

اشاره

از شماره‌ی قبل، معرفی روستاهای شگفت‌انگیز ایران را به مثابه توجه ویژه به میراث ملی به جای مانده از نیاکانمان آغاز کردیم. در شماره‌ی پیش، به کندوان سفر کردیم. اکنون، راه خود را از کندوان، در ۶۲ کیلومتری تبریز، به طرف غرب کشور کج می‌کنیم و به میان مردمان باصفای کرد می‌رویم؛ جایی که قرار است با روستای اورامان تخت و آیین‌ها و رسوم برپا شده در آن آشنا شویم.

ایرانی آن را سرزمینی اهورایی نام نهاده‌اند. در اوستا «هور» به معنای خورشید نیز آمده است که «هورامان» را می‌توان جایگاه خورشید نیز دانست.

نقوش بزهای کوهی روی سنگ‌ها در «دربند کلم» در روستای «دره‌کی» نزدیک اورامان تخت و چرم نوشته‌هایی که قدمت آن‌ها به حدود قرن اول میلادی می‌رسد، از اهمیت فراوان این منطقه‌ی باستانی حکایت دارد.

منطقه‌ی اورامان از چهار ناحیه‌ی بزرگ تشکیل شده است که

یک ناحیه‌ی آن در کشور عراق است و مرکز آن شهر «طوله» نام دارد. ناحیه‌ی دیگر در استان کرمانشاه به نام اورامان «لهون» به مرکزیت شهر «نوسود» است و دو ناحیه‌ی دیگر در غرب استان کردستان واقع شده، یکی اورامان «ژاورود» که مرکز آن روستای «بیساران» و دیگری دهستان اورامان است و مرکز آن «اورامان تخت» نام دارد که در زمان‌های قدیم مرکز فرماندهی پادشاهان منطقه بوده و به همین دلیل آن را «اورامان تخت» یا پایتخت نامیده‌اند. مردم اورامان تخت، پیش از اسلام مانند دیگر

در میان کوه‌های سر به فلک کشیده‌ی استان‌های کردستان و کرمانشاه، قطعه‌ای از بهشت به نام «اورامان» قرار دارد که روستای «اورامان تخت» یکی از زیباترین روستاهای هدف گردشگری، در مرکز آن، مانند نگینی درخشان، جلوه‌گر می‌شود. سرزمین اسطوره‌ای اورامان، میراث ارزشمندی از فرهنگ و سنت‌های اقوامی است که دست کم از زمان ورود آریایی‌ها به ایران در آن جا سکونت داشته‌اند. واژه‌ی اورامان یا هورامان از دو بخش «هورا» و «مان» تشکیل شده است. «هورا» یعنی اهورامزدا و «مان» یعنی جایگاه و خانه، که نیاکان





مردمان اورامانات پیرو آیین زرتشت بودند. زبان نوشتاری گویندگان و سرایندگان کرد، تا چند دهه پیش، «اورامی» بوده است. امروز هم واژه‌هایی از زبان پهلوی در میان سخنان مردم شنیده می‌شود. روستای اورامان تخت در ۷۵ کیلومتری شهرستان مریوان و در

### مراسم عروسی پیرشالیار

روستای اورامان تخت به مناسبت برگزاری مراسم باستانی عروسی پیرشالیار که ریشه در اسطوره‌ها و آیین‌های گذشته‌ی مردم دارد، شهرت خاصی یافته است. بزرگداشت پیری افسانه‌ای به نام **پیرشالیار**، هر سال ۴۰ روز بعد از آغاز زمستان، اواسط ماه بهمن و هم‌زمان با جشن سده، به مدت دو هفته در روستای اورامان تخت، در مقابل خانه‌ی پیرشالیار برگزار می‌شود و با برپایی یک مراسم دیگر در پانزدهم اردیبهشت، پایان می‌یابد. این مراسم سالگرد ازدواج پیرشالیار

منتهالیه دره‌ی اورامان واقع شده است. حدود ۴۵۰ خانوار در روستا زندگی می‌کنند و با لهجه‌ی اورامی که یکی از شاخه‌های زبان کردی است، سخن می‌گویند. مردم اورامان تخت، مسلمان و پیرو مذهب تسنن شافعی هستند.

دیوارخانه‌های روستای اورامان تخت از سنگ و به صورت خشکه‌چینی، بدون استفاده از ملاط است. خانه‌ها به صورت پلکانی و به سبک معماری ماسوله و حیاط هر خانه بام خانه‌ای دیگر است؛ البته با وسعتی بیشتر. به همین دلیل، اورامان تخت به **هزار ماسوله** شهرت یافته است.

### لباس مردم روستا

لباس‌های محلی مردم روستای اورامان تخت طرح‌هایی با رنگ‌های زیبا و شاد دارند: لباس مردان سورانی سفید رنگ، چوخه و رانک پانتول. فرنجی، ملکی شال و لباس زنان سورانی ملیله‌دوزی، با پارچه پیراهن. شال یا پشت بند، کلاهی به نام «فیش» با روسری‌های بلند ابریشمی و نیم تنه‌ی «سُخمه».

خانه‌های روستایی و مزرعه‌ها و باغچه‌ها که نشانه‌ی سخت‌کوشی جوان مردانه‌ی مردم این دیار است، برای هر بیننده‌ای حیرت‌انگیز می‌نماید، چون در جایی که خاک وجود ندارد، در میان کوهستان و سنگ‌هایی با شیب تند، مردم پرتلاش با تراشیدن سنگ‌ها، زیباترین خانه‌های روستایی را می‌سازند و با تراس‌بندی زمین‌های سنگلاخ، از خاکی که از دور دست‌ها تهیه می‌کنند، مزرعه و باغچه و موستان احداث می‌کنند و درختان گردو و انگور می‌کارند و اگر باران نیارد و خشک‌سالی شود، با طی مسیرهای طولانی با دبه و گالن، از چشمه‌ها و رودخانه‌ها آب می‌آورند و درختان را آبیاری می‌کنند.

نامیده شده است.

در فرهنگ لغت کردی، پیر به معنای شیخ طریقت و شالیار پادشاه شهر است. اهالی اورامان، شالیار را حاکم مذهبی، عقیدتی و بزرگ‌یاور دین می‌دانسته‌اند.

مردم روستای اورامان تخت با زراعت، باغداری و دام‌داری امرار معاش می‌کنند. گندم، جو، عدس، انگور، گردو، انجیر کوهی، انار و انواع گیاهان دارویی مانند ختمی، گاوزبان، شاتره، بومادران، شیرین بیان و پونه، حاصل تلاش شبانه‌روزی آنان است.

افسانه‌ای است که می‌گوید، در زمان‌های بسیار دور، اجداد پیرشالیار، از بزرگان منطقه‌ی اورامانات کردستان ایران بوده‌اند. پیش از تولد پیر شالیار، پدرش می‌میرد و عمویش سرپرستی او را به عهده می‌گیرد. او در سن ۱۵ سالگی مدت ۴۰ روز در غاری نزدیک روستا به تنهایی به سر می‌برد و به ریاضت می‌نشیند. دیری نمی‌گذرد که آوازه‌ی شهرت پیرشالیار در همه شهرها و روستاها طنین افکن می‌شود.

با همه‌ی سختی‌هایی که مردم اورامان در ارتفاعات و کوهستان‌ها تحمل می‌کنند، از برکت رودخانه‌ای به نام «سیروان» که از به هم پیوستن چندین رود تشکیل شده است و در دره‌های عمیق منطقه جریان دارد، کناره‌های رودخانه با هوای معتدل و جنگل‌های متراکم پوشیده از درختان بلوط، گردو، انجیر، توت و گلابی، مناظر باشکوه‌ی را پدید آورده‌اند.



آخرین مرحله‌ی مراسم پیرشالیار که به «کوماسی» یا سنگ‌شکنی موسوم است، هر سال روز ۱۵ اردیبهشت در فصل بهار، هم‌زمان با اوج سرسبزی طبیعت کردستان، در مقابل روستای اورامان تخت و در آرامگاه پیرشالیار، با صفا و زیبایی مملو از عشق، عرفان و معنویت برگزار می‌شود. مراسم با انجام ساعت‌ها ذکر و دعا همراه با دفزنی پایان می‌یابد. حاضران در این مجلس باشکوه، دور سفره‌ای با

انواع غذاها و نان و ماست که نشانه‌ی برکت زمین و دام است، گرد می‌آیند و هر لقمه را به عنوان تبرک با اشتهای کامل میل می‌کنند. زیارت چله‌خانه و شکستن سنگ مخصوصی که نگه‌داری تکه‌های آن تا پایان سال موجب رونق و برکت زندگی خانواده‌هاست (به اعتقاد اهالی، سنگ شکسته شده هر سال دوباره رشد می‌کند)، پایان مراسم پرشور پیرشالیار است که اهالی پس از تجدید میثاق با مراد خویش، با دلی آسوده به هوارها (بیلاق‌ها)ی منطقه کوچ می‌کنند.

به مناسبت برگزاری مراسم پایانی پیرشالیار در ۱۵ اردیبهشت، هر سال هزاران نفر همراه تور یا با اتومبیل‌های شخصی، به روستای اورامان تخت سفر می‌کنند.

هنگام بازگشت از روستا، زنی مهربان که مشغول پختن نان در تنور بود، نان نازک خوشمزه‌ای را به ما تعارف کرد. بچه‌های مدرسه‌ی اورامان تخت هم که همراه بزرگان خود در مراسم ذکر و دعا شرکت

هنگامی که خبر شهرت پیرشالیار به یکی از پادشاهان آن زمان می‌رسد که دختر زیبایش دچار بیماری صعب‌العلاجی شده بود و

### صنایع دستی

سوغاتی و صنایع دستی روستای اورامان تخت خاطرات زیبایی را از سفر زنده نگه می‌دارد. گیوه (کلاش)، جانماز، موج، جاجیم، نم، تسبیح ساخته شده از پسته‌ی وحشی به نام «ون» با ۱۰۰ یا ۲۰۰ دانه. شانه‌ی چوبی دوسویه از چوب درخت توت، سبد «دسنی» از شاخه‌های درخت ارغوان برای نگه‌داری نان، و قاشق و چنگال چوبی، از جمله صنایع دستی مردم سخت‌کوش روستا به‌شمار می‌آیند.

پزشکان زمان از معالجه‌اش ناتوان شده بودند، پادشاه دختر خود را نزد پیرشالیار می‌برد. پیر درمی‌یابد که روح دختر در تسخیر دو دیو پلید است. طلسم یکی از دیوها با انوار معرفت پیر در کنار سنگی نزدیک روستای بُلُبر (همسایه‌ی اورامان تخت) که هنوز هم به سنگ شفا شهرت دارد، شکسته می‌شود و دیو دوم در بالای دره‌ی شرقی ده (تنور دیوا) از پای درمی‌آید و دختر پادشاه شفا می‌یابد.

پادشاه، پیشاپیش عهد کرده بود دخترش را به همسری کسی که او را شفا دهد، در خواهد آورد. وقتی این موضوع را به پیر پیشنهاد می‌کند، پیر به این دلیل که دختر پادشاه با ازدواج با او که توانایی مالی ندارد، دچار سختی خواهد شد، پیشنهاد پادشاه را نمی‌پذیرد و وقتی به همت اهالی اورامان تخت و روستاهای اطراف آن، وسایل مورد نیاز زندگی پیر و دختر شاه فراهم می‌شود، ازدواج سر می‌گیرد.

### غذاها

غذاهای محلی این روستا بسیار لذیذ است. نام برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: دوینه، شَلَمین، دوخ وا (آش دوغ)، و انواع غذاهای گیاهی با نان محلی.

کرده بودند، دور ما را گرفتند تا با هم عکس یادگاری بگیریم و **لیلا** و **آمنه** هم که دو دختر عمو هستند، دوتایی عکس گرفتند. مردان مهربان روستای اورامان تخت، همراه دانش‌آموزان، مهمانان جشن را تا محل پارک اتومبیل‌ها بدرقه کردند.